

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه معاهده استرداد مجرمین بین جمهوری اسلامی ایران و  
جمهوری قزاقستان»

**مقدمه**

لایحه مزبور با هدف ایجاد تسهیلات و زمینه‌های همکاری حقوقی و قضایی و به منظور استرداد متهمین و محکومین میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری قزاقستان، در تاریخ ۱۳۹۱/۴/۱۳ تقدیم مجلس شورای اسلامی شد. این‌گونه همکاری‌ها مبتنی بر اصل رفتار متقابل به صورت عام در حوزه همکاری‌های حقوقی و قضایی و به صورت خاص در حوزه همکاری‌های کیفری به رویه بین‌المللی در راستای تأمین بیشتر حقوق و منافع اشخاص و جامعه مبدل شده است که ضمناً به استقرار روش‌مند همکاری‌های قضایی بین دولت‌ها و زمینه‌سازی برای گسترش مناسبات دوستانه بین‌المللی که از جمله مقاصد سازمان ملل متحد به شمار می‌رود (وفق ماده (۱) منشور ملل متحد) نیز کمک می‌کند. با عنایت به توسعه مجدد این‌گونه همکاری‌ها در رویه بین‌المللی و منطق قابل قبول و کارآیی چشمگیر این سازوکار و با توجه به قابلیت اجتماعی و اقتصادی کثرت مراودات و رفت‌وآمد اتباع دو دولت انعقاد چنین موافقتنامه‌ای بین دو طرف در راستای تحقق حفظ منافع اتباع دو طرف و دول متبوع آنها تلقی خواهد شد. شایان ذکر است که این معاهده اولین موافقتنامه از موافقتنامه‌های همکاری قضایی بین دو کشور نبوده و پیش از این نیز قوانین مربوط به موافقتنامه معاضدت و روابط قضایی در موضوعات مدنی و جزایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان ۱۳۸۴/۷/۲۶ و نیز قانون موافقتنامه همکاری در زمینه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته و تروریسم بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان ۱۳۸۶/۵/۲ و قوانینی ناظر بر موافقتنامه‌های تجاری، سرمایه‌گذاری و گمرکی و تجاری توسط مجلس شورای اسلامی در روابط کشورمان با این کشور به تصویب رسیده است.

**آثار لایحه**

با توجه به همکاری‌های نزدیک دو کشور و نیز واقع شدن هر دو کشور در یک منطقه و نیز علایق مشترک فرهنگی و مذهبی فراوان دو ملت که منجر به تعامل و ارتباطات فراوان گردیده و در آینده نیز توسعه خواهد یافت، انعقاد این توافقنامه می‌تواند در تسهیل روابط متقابل و ارتقای آن مؤثر باشد.

به‌علاوه، سازوکار استرداد مجرمین به این دلیل که از یک‌سو می‌تواند هزینه‌های غیرضروری که یک کشور ممکن است به دلیل نگهداری مجرمین غیررتبعه تحمل کند را کاهش داده و از دیگر سو، اعمال صلاحیت کشور متبوع مجرم را نسبت به اتباع خود تسهیل نماید و نیز هزینه‌های مربوط به تعقیب و دستگیری متهمین یا محکومین را تقلیل داده و همچنین، اجرای عدالت را تسهیل نماید، می‌تواند سازوکاری مطلوب و به‌جا در روابط بین‌المللی باشد.



مشخصات لایحه

دوره نهم - سال اول

شماره ثبت:

۱۰۹

شماره چاپ:

۱۲۶

تاریخ چاپ:

۱۳۹۱/۴/۲۸

نام دفاتر:

مطالعات حقوقی

مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۴۰۱۲۵۶۰

تاریخ انتشار:

۱۳۹۱/۶/۲۰

شایان ذکر است اهمیت قزاقستان در محاسبات سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سبب شده است که هرگونه تمهیدی برای توسعه و تحکیم روابط دوجانبه با این کشور از اهمیت خاصی برخوردار شود. قزاقستان به عنوان یک کشور مسلمان، بزرگترین کشور منطقه استراتژیک آسیای مرکزی است که از دیرباز کانون رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. در دو دهه اخیر، قدرت‌های خارجی برای گسترش نفوذ خود در آسیای مرکزی و حوزه اورآسیا، به دلیل نقش مهم و محوری جمهوری قزاقستان همواره توجه خاصی به توسعه روابط با این کشور داشته‌اند. قزاقستان از نظر اقتصادی نیز مهمترین کشور منطقه به حساب می‌آید و برخورداری این کشور از منابع غنی نفت و گاز اهمیت آن در نظام بین‌الملل و بازار جهانی انرژی را افزایش داده است. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز سیاست محدود کردن نفوذ و حضور ایران در منطقه از راهبردهای اصلی آمریکا در این حوزه بوده است.

در چنین شرایطی توسعه همکاری‌های همه‌جانبه از جمله همکاری‌های قضایی با مهمترین کشور آسیای مرکزی که اتفاقاً نگرش مثبتی نسبت به توسعه روابط با ایران دارد از اهمیت ویژه‌ای در روابط خارجی کشور برخوردار می‌شود.

## ارزیابی مواد لایحه

۱. عنوان معاهده استرداد مجرمین است درحالی که در ماده (۱) و در مقام اشاره به مسئله تعهد استرداد دو وضعیت متهم بودن و محکوم بودن زمینه استرداد تلقی شده است که عنوان مزبور تنها مورد اخیر (محکوم بودن) را تحت پوشش می‌گیرد لذا عنوان «معاهده استرداد متهمین و محکومین» مناسب‌تر از عنوان «معاهده استرداد مجرمین» خواهد بود.

۲. در بند «۱» ماده (۲) به بیان جرائم قابل استرداد پرداخته شده است. ابهامی که در این بند مشاهده می‌شود این است که آیا قلمرو جرائم قابل استرداد در این موافقتنامه به جرائمی که مجازات‌هایی غیر از سالب آزادی دارند نیز تسری می‌یابد یا خیر؟ این ابهام از آنجا ناشی می‌شود که درحال حاضر در اکثر معاهدات استرداد صرفاً جرائم دارای مجازات سالب آزادی قابل استرداد هستند. درحالی که عبارت مندرج در این بند که مقرر می‌دارد: «مجازات‌هایی همچون» مشعر بر این امر است که طبق این معاهده سایر جرائم نیز قابل استرداد است که با رویه موجود در تنظیم معاهدات استرداد منافات دارد.

۳. در اکثر معاهدات استرداد به ممنوعیت استرداد به جهت ارتکاب جرائم سیاسی تصریح می‌شود و به دیگر سخن، این موارد جزء جرائم غیرقابل استرداد شمرده می‌شوند که در این لایحه مغفول مانده است.

۴. در ماده (۲۰) مقرر گردیده است: «می‌توان تغییرات و اضافاتی را در مورد این معاهده اعمال نمود که توسط پروتکل‌هایی که جزء لاینفک معاهده می‌باشند قوت قانونی خواهند یافت. تغییرات و اضافات طبق بند «۱» ماده (۲۱) این معاهده، لازم‌الاجرا خواهند شد». ازسوی دیگر، در بند «۱» ماده (۲۱) بیان شده است: «این معاهده باید به تصویب برسد». به نظر می‌رسد برای رفع ابهام و عدم تغایر با اصل هفتادوهفتم قانون اساسی بهتر است در ماده (۲۰) در مورد تغییرات و اضافات بعدی که براساس پروتکل‌های منضم به معاهده به عمل می‌آید نیز، بر لزوم طی تشریفات قانونی تصویب همان‌گونه که در بند «۱» ماده (۲۱) مقرر شده است درج گردد. ضمن آنکه در متن همین ماده لفظ «می‌باشند» سهواً «م‌باشند» درج شده است که لازم است اصلاح گردد.

## نتیجه‌گیری

با توجه به مزایای تصویب این موافقتنامه و منوط به برطرف نمودن ایرادات آن تصویب لایحه حاضر پیشنهاد می‌گردد.